

* برنامه‌های توسعه روستائی اغلب توسط سازمانهای مرکزی فاقد دیدگاههای کافی نسبت به وضعیت روستائی طرح‌ریزی می‌گردند. این برنامه‌ها بدون مشارکت مردم، طراحی و اجرا گردیده است و پیشرفت اندکی در ایجاد تحول در زمینه بهداشت، آموزش عمومی و سلامت نهادهای روستائی بوجود آورده‌اند. (در آسیا)

توسعه یکبارچه روستائی - آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین

توضیح:

سمینار دو هفته‌ای «توسعه یکبارچه روستائی» در اگوست ۱۹۸۲ با شرکت نمایندگان ۲۴ کشور آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به‌مراه هشت نفر شرکت‌کننده از چین، ۲ نفر ناظر استرالیائی، ۴ نفر مشاور و ۸ تن از کارمندان سازمان ملل در شهر شانگهای استان شانائونگ و بیجیان کشور چین تشکیل گردید. این سمینار توسط سازمان همکاریهای فنی در زمینه توسعه، وابسته به سازمان ملل و با همکاری دولت چین ترتیب یافت و برنامه کار آنرا گسترش دیدگاه یکبارچه در توسعه روستائی، تحلیل و مقایسه سازمانهای ملی، سیاستها و تجربه کشورهای در حال توسعه در زمینه «توسعه یکبارچه روستائی» تشکیل می‌داد. لهذا اهداف سمینار در مطالعه تطبیقی اقدامات مهم انجام شده در زمینه تقویت برنامه‌های عمران روستائی، با تاکید ویژه در سیاستهای ابداعی جهت مدرنیزه کردن توسعه یکبارچه روستائی بمنظور تامین اساس و پایهای برای تصمیمات و سیاستگذارهای آتی کشورهای در حال توسعه بوده است. موضوعات عمده مورد بحث در سمینار بعنوان اصول توسعه یکبارچگی روستائی عبارت بودند از طرح و برنامه‌ریزی، شبکه‌های تشکیلاتی، مشارکت همگانی، توازن میان نیازهای شهری و روستائی، تخصیص هر چه بیشتر منابع مالی و انسانی و کاربرد علوم و تکنولوژی. از آنجا که به زعم برگزارکنندگان سمینار، کشور چین پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در زمینه توسعه یکبارچه روستائی داشته است، تجربه سی ساله این کشور در زمینه اقتصادی و کشاورزی بعنوان یکی از اهداف سمینار، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت که طی چهار مقاله عرضه گردید. (یکی از این مقالات تحت عنوان تجربه چین در شماره ۷۰ مجله جهاد ترجمه و به چاپ رسیده است).

انطور که در جزوه گزارش سمینار آمده است بمنظور آماده سازی زمینه بحثها و تحلیل مسائل و متدولوژیهای توسعه یکبارچه روستائی، نمایندگان شرکت‌کننده در سمینار به سه گروه بندی منطقه‌ای آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین تقسیم شدند. هر یک از نمایندگان گزارشی مبنی بر تحلیل تجربیات مملکت خویش در زمینه توسعه یکبارچه روستائی ارائه نمود که در پی آن سئوالاتی نیز از سوی شرکت‌کنندگان در سمینار مطرح گردید. بمنظور رعایت اختصار و صرفه‌جویی در گزارش سمینار به جای ثبت مقاله‌های هر کشور بطور مجزا، خلاصه گزارشهایی از مجموعه تجربیات گروه‌های منطقه‌ای منتشر گردیده است. بعبارت دیگر سمینار در گزارش مکتوب خود به برشمردن عوامل مشترک تسهیل یا کاهش کارائی توسعه یکبارچه روستائی در قاره‌ها یا مناطق مختلف مبادرت نموده است مجله جهاد بمنظور آگاهی خوانندگان از تجربیات منطقه‌ای و ملی در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین در زمینه توسعه یکبارچه روستائی اقدام به ترجمه و چاپ آن نموده است که می‌خوانید:



۳- دستاوردها

اصلاحات کشاورزی با دورنما و عمق متفاوت در تعدادی از کشورهای آفریقایی به اجرا درآمده است. تلاش در زمینه افزایش درآمد در مناطق روستایی و ایجاد عدالت در تقسیم آن پیگیر و عمده بوده است. در عین حال اقدامات بسیاری باید انجام گیرد، بویژه بواسطه آنکه توسعه روستایی در آفریقا دارای جهت گیری ضد فقر نبوده است.

پروژه های خودیاری و سایر برنامه های عمرانی محدود اغلب از طریق مشارکت مردم به اجرا درآمده است. در عین حال مشارکت مردمی در روند توسعه بنحوی که منجر به دخالت در آینده، طرح و اجرای سیاست های عمرانی در سطح محلی گردد، باید بوجود آید و در مناطقی که این مشارکت وجود دارد باید به بهبود آن اقدام شود.

وضعیت مواد غذایی در آفریقا به دلایل:

الف- شرایط نامناسب طبیعی

ب- کاهش باروری خاک

ج- رشد جمعیت

د- رکود کشاورزی

منجر به سقوط میزان سرانه مواد غذایی و دچار نابسامانی بوده است. در برخی مناطق محدود، «مجموعه های غنی» وجود دارند که از مازاد تولید مواد غذایی به سبب تمرکز منابع (مادی و انسانی) در جهت کاربرد پروژه های توسعه یکپارچه روستایی برخوردار بوده اند. در برخی از بخش های خدمات اجتماعی نتایج مطلوبی کسب گردیده است.

ریشه کن کردن آبله، و در برخی مناطق معین نوعی بیماری کوری (Onchocerciasis)، تراخم، کاهش مرگ و میر نوزادان، افزایش طول عمر، مبارزه موفقیت آمیز و گاهی محدود علیه بیسوادی و افزایش تعداد پروژه های تهیه آب آشامیدنی روستا، توسعه سریع آموزش ابتدائی و در برخی مناطق آموزش متوسطه، نمونه هایی از اقدامات با ارزش بشمار می روند. بطور کلی باید خاطر نشان کرد که هنوز تفاوت آشکار میان خدمات اجتماعی مراکز شهری و مناطق روستایی وجود دارد. مناطق روستایی در محرومیت قرار داشته و ارائه خدمات اجتماعی به آنها در آفریقا مستلزم توجه، تسهیلات و ابزار هر چه بیشتر است. تسهیلات فیزیکی و تشکیلاتی جزء مهمی از برنامه های توسعه روستایی را تشکیل می دهد که در کشورهای آفریقایی مورد توجه بیشتری قرار دارد.

جاده های روستایی و فرعی، طرح های آبیاری، ارتباطات و تسهیلات آبیاری و غیره در بسیاری مناطق بوجود آمده است. در هر حال نحوه نگهداری این تاسیسات و واحدهای بصورت مطلوب نمی باشد. لازم بتذکر است که تمایل عمومی در هر کشور به تنهایی در اختصاص

تجارب ارائه شده کشورهای در طی سسمینار می توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف- تحول در زمینه کشاورزی و تغییرات بنیادی در نظام مالکیت زمین.

ب- تلاش در سطح ملی در زمینه کاهش تمایزات درآمد میان مناطق و نیز تفاوت آشکار میان درآمدهای شهری و روستایی و در میان مردم هر دو بخش از طریق ایجاد یکپارچگی در فعالیتهای اقتصادی توسط نهادهای مردمی محلی.

ج- ایجاد سازمانهای توسعه روستایی بمنظور قبول مسئولیت طرح و اجرای فعالیتهای عمرانی در مناطق مشخص از لحاظ کشاورزی- اکولوژیکی.

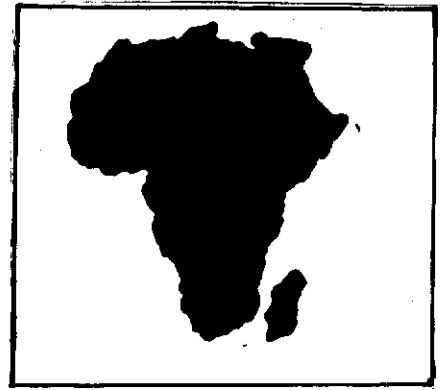
اینگونه سازمانها جدا از سازمانهای اداری تحت فرمان دولت محلی و تابع تشکیلات غیر متمرکز هستند.

د- ایجاد عدم تمرکز در دستگاههای اداری و تقسیم منطقه ای برنامه ریزیها و فعالیتهای وزارتخانه های جهت مناطق و حکومت های محلی.



و- تجدید اسکان توده های روستایی در دهکده های جمعی (اشتراکی) با چهارچوب نظام حکومتی غیر متمرکز که قدمی در مسیر ایجاد حکومت منلی خواهد بود و زمینه عقیدتی سوسیالیسم آفریقایی را برپایه خود اتکائی خواهد داشت.

ز- اصلاحات ارضی بهمراه ایجاد تحرک در افزایش تولید مواد غذایی بمنظور خود کفائی ملی و نیل بسوی طرح و برنامه ریزی منطقه ای بجای بخشی، طی تلاش در جهت دستیابی به عدم تمرکز.



الف: آفریقا

۱- مسائل کلی

در شیوه زندگی سنتی بسیاری از جوامع آفریقایی از دیرباز زمینه فعالیتهای اقتصادی یکپارچه وجود داشته و از اینرو باعث سهولت کاربرد توسعه یکپارچه بوده است. «میزان موفقیت» یا «ناکامی» برنامه های «توسعه اجتماعی»، «تجدید حیات روستا»، «آموزش توده ها»، «گسترش کشاورزی» و سایر زمینه های فعالیت منطقه ای بستگی تام به نحوه جذب آنها توسط فرهنگ عامه روستایی آفریقا داشته و در صورت عدم مطابقت با ارزشها و برداشتهای پذیرفته شده توده مردم، این برنامه ها دفع می گردند. طرح های یوجاما (تانزانیا)، فکولونو (ماداگاسکار)، هارامبی (کنیا) و جاما (مراکش) از جمله اشکال یکپارچگی توسعه روستایی هستند که براساس سنتهای محکم جوامع آفریقایی در سراسر قاره استوارند.

از اینرو آفریقا نه تنها نمونه ای جهت پذیرفتن بلکه پیشبرد و تکامل برداشتهای است که بعدها نام توسعه یکپارچه روستایی بخود گرفت. در حقیقت سرزمین «موشی» (MOSHI) آفریقا در سال ۱۹۶۹ پیش از یکی از نخستین تعبیر، (اگرچه بعدها نمونه های دیگری نیز پدید آمد) توسعه روستایی بوده و طی آن استراتژی های کاربرد آن را پذیرفت که پدید آورنده برداشتی یکپارچه از توسعه روستایی است.

۲- مسائل عمده در ارتباط با اتخاذ

سیاست

بطور کلی آفریقا دوشیوه توسعه در مناطق روستایی را اتخاذ نموده است. روش توسعه گزینشی و شیوه تحول همزمان. روش نخست تغییرات تدریجی را در مواردی که شرایط اجتماعی کار را بطور بنیادی متحول نمی کند ممکن می سازد، در حالیکه شیوه دوم در تغییر اساسی نهادها در روابط تولید سنتی تلاش می نماید. در حاشیه کاربرد این دو روش گسترده روشهای گوناگون دیگری نیز در سطوح کمتر وجود داشت. با در نظر گرفتن

تسهيلات تشکيلاتی گسترده به شهرها و ایجاد سیستم مدیریت کنترل یا کنترل مرکزی جمع‌آوری اطلاعات آماری و سیستم ارتباط جمعی و شبکه‌ها و مسائل نظیر آن است.

چهار چوبهای سازمانی جهت توسعه روستائی نیز از دیگر دستاوردهای مناطق آفریقائی بشمار می‌رود. نهادهای سنتی، اجتماعی و اقتصادی ابقاء گردیده و در برخی کشورها تشویق به تسهیل در توسعه یکپارچه روستائی گردیده‌اند. فعالیت بیشتری در زمینه گسترش نقش ایمن نهادها و باز فعال نمودن آندسته که دچار رکود بوده یا آن گروه که تنها بمنظور حفظ و نگهداری تعادل سیاسی و قبیلای محلی معین به حیات خود ادامه می‌دهند، باید انجام گیرد. سایر نهادهای مردمی محلی (از قبیل تعاونیها، اتحادیه‌های اعتباری و اتحادیه‌های تجاری) براساس الگوهای جدید طرح‌ریزی شده که بویژه می‌باید از استقلال و عهده‌گیری نقش عمده در برنامه‌های توسعه روستائی و تشکیل عامل عمده در فعالیتهای آتی توسعه پیروی نمایند.

سازمانهای رسمی دولتی و یا حزبی که در نتیجه اصلاحات کشاورزی در برخی از کشورهای آفریقائی بوجود آمده‌اند نیز ابزاری در دستیابی به توسعه بوده و از طریق آموزش و برنامه‌ریزی مناسب می‌توانند بطور مؤثر در کاربرد و اجرای پروژه‌های توسعه روستائی مشارکت نمایند.

ع- موانع و مشکلات

در میان مشکلات عدیده که توسعه روستائی در آفریقا با آن مواجه است، شش مورد را می‌توان ذکر نمود که اثرات منفی مشهود بر نظریه پردازی، فرمول‌بندی و اجراء برنامه‌های توسعه روستائی در کشورهای آفریقائی دارند. در عین حال فهرست مشکلات زیر حاوی کلیه موارد نخواهد بود:

الف- عدم وجود مشارکت وانگیزه، اغلب به‌مراه فقدان شبکه سیاست‌گذاری مشخص

ب- نظام کهنه مالکیت زمین و فقدان یا محدودیت اصلاحات ارضی.

ج- کمبود و در برخی مناطق نبود (فقدان) خدمات روستائی تشکيلاتی.

د- محدودیت منابع فنی و انسانی.

هـ- شرایط نامساعد آب و هوائی

کشاورزی- اکولوژیکی.

فزون براین مشکلات عمده، در زمینه فعالیتهای توسعه روستائی در کشورهای آفریقائی مشکلات و موانع گسترده زیر نیز وجود دارند:

الف- بحران اقتصادی جهانی در حال حاضر از طریق موارد زیر توسعه مناطق روستائی را بشدت تحت تأثیر قرار داده است:

۱- وجود مقررات ضعیف در رابطه با

صادرات موادغذائی که عمدتاً در مناطق روستائی کشت می‌گردد.

۲- تورم وارداتی.

۳- کاهش کمکها و.

۴- هزینه‌های گزاف بابت کادرای فنی متخصص.

ب- عدم تمایل دولت به سیاست و چهارچوبهای تصمیم‌گیری مبتنی بر عدم تمرکز که در نتیجه دخالت و مشارکت فعال آحاد محلی در روند توسعه را مانع می‌گردد. گروههای فقیر محلی بعلت عدم وجود ارتباط میان آنها و مقامات مسئول و متخصصین در سطوح مرکزی و حتی منطقه‌ای، بصورت عوامل منفصل و بی‌اعتنا درمی‌آیند.

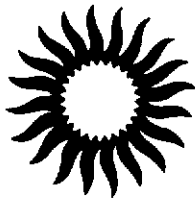
ج- محدودیت منابع در دست حکومت، اغلب به کاهش امکانات مالی تخصیص یافته جهت پروژه‌های توسعه منجر می‌گردد. کاهش بودجه از سوی دولت، به‌مراه کمبود کمکهای بین‌المللی موجود در زمینه توسعه، منجر به توقف پروژه‌های توسعه در دست اجرا گردیده است.

منابع محدود مالی در اکثر موارد دولتها را مجبور به اعطاء اولویت به پروژه‌های فزاینده بازده تولید محصولات کشاورزی صادراتی نموده که طی آنها تاکید عمدتاً بر رشد و بازده افزون مادی قرار دارد تا بر مشارکت همه‌جانبه مردم و توسعه. علاوه بر این هزینه‌های نظامی صرف شده از بودجه ملی به زیان سایر بخشهای در حال افزایش است.

د- در بسیاری از کشورهای آفریقائی به آموزش و تر بیت در زمینه توسعه روستائی توجهی نگردیده است. در نتیجه، در تمام زمینه‌ها کمبود نیروی انسانی متخصص مشهود است. این مسئله بنوبه خود مانع از بهره‌برداری و ایجاد تکنولوژیهای نوین روستائی می‌گردد. بطور کلی جوامع روستائی با کمبود برنامه‌های آموزشی مواجه هستند که در غیر اینصورت می‌توانست به آشنائی آنان با مشکلات موجود و یافتن روشهای واقعی در حل آنها کمک نماید.

ها- کمبود مطالعات و اطلاعات اجتماعی- اقتصادی در مورد یک منطقه خاص به‌مراه فقدان و محدودیت اطلاعات آماری، از ایجاد هماهنگی ممانعت نموده و اجرای پروژه و ارزیابی آنها مانع می‌گردد.

و- تحقیق به هر شکل که می‌توانست به ایجاد نظریه موثر و طرح‌ریزی پروژه‌ها منتهی گردد، در کشورهای آفریقائی بششم نمی‌خورد، که دلیل عمده آن «فرار مغزها» است که میلیون شایسته را وسوسه می‌نماید. متخصصین وارداتی از کشورهای دیگر نیز قادر به از بین بردن این نقصان نیستند.



ب- آسیا، آسیای غربی و ناحیه پاسیفیک

۱- کلیات

در این بخش به ارائه خلاصه تجربیات در زمینه توسعه یکپارچه روستائی ۱۰ کشور آسیا، آسیای غربی و ناحیه پاسیفیک شامل کشورهای بنگلادش، فی‌جی، اردن، هند، کریبائی، پاکستان، فیلیپین، جزایر سلامون، سری‌لانکا و تایلند، می‌پردازیم، وضعیت عدم توسعه این کشورها در مشکلات موجود آنها مشهود بوده و میزان وخامت اوضاع در میان این کشورها تقریباً یکسان است.

چین بواسطه دارا بودن چهارچوب سیاسی واداری منحصراً بفرود و بر خورداری از تجربه ویژه در زمینه توسعه یکپارچه روستائی، به تفصیل در فصل (د) ارائه گردیده است.

روستا بعنوان دارا بودن بیشترین درصد زمین، جمعیت و اقتصاد آسیا و منطقه اقیانوس آرام، نمایانگر کندی روند رشد است که زمینه مورد توجه سیاستمداران و مدیران دولتی بوده است. غلبه غم‌سای سال کاربرد و اجراء برنامه‌های توسعه روستائی در اغلب این کشورها، کیفیت



حیات روستائی بطور عام تغییر اندکی نموده است، و در حقیقت طی سالهای اخیر تمایل همدارنده‌های به سمت افزایش بی‌رویه جمعیت و تداوم سطوح نازل تولید بوده‌اند.

مسائل و مشکلات توسعه روستائی که امروزه کشورهای آسیا، آسیای غربی و اقیانوس آرام با آن مواجه هستند، تفاوت اندکی با مشکلات گریبانگیر این کشورها در مناطق روستائی در آغاز، دارد.

این مشکلات و مسائل بصورت زیر خلاصه می‌گردند:

الف- توده‌های عظیم مردم در مناطق روستائی تحت شرایط فقر کامل یا نسبی بسر برده که در مناطق جغرافیائی و طبقات اجتماعی ویژه تمرکز یافته‌اند.

ب- تمایزات روزافزون درآمد میان مناطق مختلف و افراد در نتیجه تمرکز رشد و توسعه در مراکز شهری عمده و حومه آنها، بوجود آمده است.

ج- فقر روستائی در اثر تداوم کمبود خدمات اجتماعی اساسی، مراقبت‌های بهداشتی، تامین اجتماعی و تغذیه، سطوح نازل تحصیلات، توسعه نایافتگی نهادها و کمبود منابع سرمایه‌گذاری، همواره حضور داشته است.

د- نرخ رشد افزون و مداوم جمعیت، ازدحام در مناطق قابل کشت و زرع و افزایش تعداد بیکاران را سبب می‌گردد.

هـ- روستائیان امکانات اندکی در زمینه تلفیق تجربه خویش با دانش ملی و نیروها و فرصتهای بین‌المللی در اختیار دارند. لذا توانائی آنان در دستیابی به ریشه مشکلات خویش محدود می‌گردد.

و- برنامه‌های توسعه روستائی اغلب توسط سازمانهای مرکزی فاقد دیدگاههای کافی نسبت به وضعیت روستائی طرح‌ریزی می‌گردند. این برنامه‌ها بدون مشارکت مردم، طراحی و اجرا گردیده است و پیشرفت اندکی در ایجاد تحول در زمینه بهداشت، آموزش عمومی و سلامت نهادهای روستائی بوجود آورده‌اند.

ز- افزایش در واحد سطح تولید کشاورزی بعلت توسعه اندک تکنولوژی تولید و عدم تمایل کشاورزان به کاربرد تکنولوژی نوین، ناچیز بوده است.

ح- نرخ رشد پائین توسعه صنایع روستائی باعث عدم ایجاد مشاغل اضافی در جهت افزایش درآمد کشاورزی می‌گردد.

همسانی مشکلات و مسائل توسعه که کشورهای منطقه با آن مواجه هستند، بیانگر همگونی فوق‌العاده تفسیر و تعبیر آنان از اهداف توسعه یکپارچه روستائی است. این اهداف بصورت زیر خلاصه می‌شوند:

الف- افزایش تولید و کارائی تولید کشاورزی.

ب- بهبود شرایط بهداشت و ارتقاء بهداشت و ارتقاء سطح تغذیه.

ج- توسعه سازمانهای محلی و تحرک بخشیدن به منافع محلی در جهت اتکاء بخود و خودیاری.

د- ایجاد سازمانهای خدماتی و تشکیلاتی جهت توسعه کشاورزی و صنعتی

ه- ایجاد برنامه‌های تشکیل و ارتقاء فنون و مهارتها بمنظور بالا بردن کارائی فردی کارکنان شاغل.

و- تامین اعتبار کافی.

ز- تامین حمایت از بازار تولید و مصرف.

در اکثر کشورها تمایل به توسعه روستائی بلافاصله پس از کسب استقلال ورهائی از سلطه استعمار آغاز گردید. تجربه آنان در توسعه روستائی همگام با پیشرفت سیاسی بوده است. درمورد گروه جزایر اقیانوس آرام، این تجربه مربوط به سالهای اخیر بوده است. جزایر سلامون پنج سال و فی‌جی، ۱۳ سال در این زمینه تجربه داشته‌اند. آندسته از ملت‌هایی که از سابقه تاریخی و استقلال طولانی‌تری برخوردار بوده‌اند، نظیر هند، پاکستان و فیلیپین، این برنامه‌ها را حداقل به مدت سی سال به اجرا در آورده‌اند. تاکنون که هیچگاه تحت سیطره استعمار نبوده است! برنامه‌های توسعه روستائی را تحت چهارمین برنامه ملی- اقتصادی و اجتماعی ۱۹۸۰-۱۹۷۵ آغاز نمود.

تلاش اولیه در زمینه توسعه مناطق روستائی در دهه ۱۹۵۰، شکل جنبشهای عظیم ملی در جهت توسعه اجتماعی را بخود گرفت. برنامه تشکیلات اداری را در سطوح جامعه و دهکده طرح‌ریزی نمود و از این طریق سازمان

زرایی برای برنامه‌های آتی توسعه روستائی را تامین کرد. برنامه‌های توسعه جامعه در پی دستیابی به توسعه کلی مناطق روستائی با مشارکت مردم بوده است. بدین طریق تمرکز بر مسئله فقر قرار نگرفته و لذا برنامه مذکور تاثیر اندکی بر بخشهای فقیرتر جامعه داشته است.

در اکثر کشورهای منطقه که در آنها جنبشهای نیرومند توسعه اجتماعی در دهه ۱۹۵۰ درخشیدن گرفت، کانالهای اداری و ارتباطی توأماً باعث آگاهی بیشتر مردم از مسائل بخش روستائی گردید. طرح توسعه یکپارچه روستائی در دهه ۱۹۵۰ در کشورهای منطقه پدید آمد. برنامه‌های مذکور سمت‌گیری آشکار به نفع بخشهای فقیرتر جامعه و نواحی محروم‌تر کشور، داشته است. از اینرو بعنوان ابزار دخالت دولت به نفع بخشهای فقیر در برگیرنده کشاورزان کوچک و حاشیه‌نشین و ماهیگیران و زارعین فاقد زمین، بکار گرفته شدند.

۲- عوامل بازدارنده یا تسریع‌کننده توسعه یکپارچه روستائی

تشابه فوق‌العاده‌ای میان مسائل مبتلا به کشورهای آسیا، آسیای غربی و ناحیه اقیانوس آرام در ارتباط با تلاش آنان دراز بین بردن فقر روستائی از طریق روشهای توسعه یکپارچه روستائی وجود دارد. ضمن آنکه میزان موفقیت در حل این مشکلات و مسائل در کشورهای مختلف یکسان نیست، کلیه این مسائل اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته و مورد توجه جدی حاکمان این کشورها قرار دارد. مسائل عمده بطور خلاصه بقرار زیر است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله مطالعات علمی انسانی



الف- هماهنگی برنامه‌های توسعه یکپارچه روستائی: این مشکل دارای طیفی از عدم کفایت چهارچوبها و مکانیزمهای هماهنگی (در نتیجه، بروز شکاف و عدم تداوم میان برنامه‌ها تا مخدوش شدن وظایف برخاسته از ازدیاد و ازدحام افراد هماهنگ کننده است. در اغلب کشورها از جمله هند، پاکستان، سریلانکا، فیلیپین و فی جی عدم تمرکز دستگاه اداری و سیاسی (از جمله عدم تمرکز بودجه) به عنوان راه حل اساسی مشکل هماهنگی در سطح زراعی محلی است که مهمترین مقطع کاربرد موثر پیشرفت از طریق مشارکت مردمی محسوب می گردد. هماهنگی از پائین به بالا نیز بمنظور همگام نمودن اولویتهای محلی با مسائل مطرح شده در سطح برنامه‌ها و سیاستهای ملی ضروری است.

کشورهائی که تواماً دارای نظام مرکزیت و سازمانهای زراعی محلی هستند درمقایسه با کشورهای فاقد نظام مرکزیت یا محلی دارای مشکلات کمتری در ایجاد هماهنگی هستند. در عوض، آنجا که مسئولین در سطح محلی از اختیارات بیشتری برخوردار بوده و مجهز به قابلیت‌های فنی و اداری جهت طرح و اجرا برنامه‌ها باشند، دستیابی به هماهنگی از سطوح پائین به بالا به سهولت انجام می گیرد. علاوه براین ممکن است در کشورهای فوق العاده کوچک، برقراری وزارتخانه‌های مستقل یا اعطای اختیارات به سازمانهای محلی توسعه زراعی برای دولت مقرون به صرفه نباشد.

ب- مشکلات مالی

سرمایه گذارهای هنگفت در زمینه توسعه بخشهای روستائی خارج از توانائیهای دولتهای منطقه‌ایست. این مسئله بنوبه خود منجر به اتکاء فوق العاده به سرمایه گذارهای خارجی در توسعه یکپارچه روستائی گردیده است. در عین حال بسیاری از این برنامه‌ها بواسطه عدم وجود سرمایه‌های متقابل از بودجه‌های ملی اینگونه کشورها، تاثیر معکوس برجای نهادند. اتکاء بیش از حد بر منابع خارجی توسط دولتهای ملی و یا اتکاء انحصاری بر منابع مالی ملی توسط مسئولان محلی به روند توسعه اتکاء بخود و نوعی احساس مسئولیت از سوی واحدهای محلی در قبال پیشرفت آنان لطمه وارد می کنند.

ج- اقتصاد در مقابل معیار عدالت:

بسیاری از پروژه‌های توسعه و بویژه آندسته که برای گروهها و مناطق جغرافیائی فقیرتر طراحی شده‌اند، از لحاظ سیاسی و استقبال اجتماعی نیاز به تعدیل دارند تا میزان مطلوب هزینه- سود یا برخورداری از کارائی اقتصادی.

د- قابلیت مدیران و برنامه‌ریزان:

بسیاری از سازمانهای در سطح محلی-



اکثر روستائیان نسبت به برنامه‌های دولت بی اعتمادند، زیرا اینگونه برنامه‌ها با علاقه و تبلیغات وسیع و حرکت در جهت بسیج همگانی آغاز می شوند، لکن متعاقباً متوقف شده یا تغییر مسیر می دهند، و در صدد انتقامجویی از رهبران محلی مدافع این برنامه‌ها می آیند.

*** در بسیاری از کشورهای آفریقائی به آموزش و تربیت در زمینه توسعه روستائی توجهی نگردیده است. در نتیجه، در تمام زمینه‌ها کمبود نیروی انسانی متخصص مشهود است. این مسئله بنوبه خود مانع از بهره‌برداری و ایجاد تکنولوژیهای نوین روستائی می گردد. بطور کلی جوامع روستائی با کمبود برنامه‌های آموزشی مواجه هستند که در غیض اینصورت می توانست به آشنائی آنان با مشکلات موجود و یافتن روشهای واقعی در حل آنها کمک نماید.**

*** بسیاری از سازمانهای در سطح محلی- زراعی که اخیراً ایجاد شده‌اند، با مشکل عمومی مدیران و برنامه‌ریزان خویش روبرو بوده و از سطوح پائین قابلیت فنی و اداری برخوردارند. در کشورهائی که تمایزات بین منطقه‌ای آشکارا وجود دارد، مناطق فقیرتر عموماً در این زمینه عقب افتاده‌ترند. علاوه بر این، نیروی انسانی متخصص، حتی چنانچه در مراکز شهرها وجود داشته باشند، تمایلی به خدمت در ارگانهای مدیریت منطقه‌ای در روستاها علیرغم حقوق و مزایای مکفی، ندارند.**



زراعی که اخیراً ایجاد شده‌اند، با مشکل عمومی مدیران و برنامه‌ریزان خویش روبرو بوده و از سطوح پائین قابلیت فنی و اداری برخوردارند. در کشورهائی که تمایزات بین منطقه‌ای آشکارا وجود دارد، مناطق فقیرتر عموماً در این زمینه عقب افتاده‌ترند. علاوه براین، نیروی انسانی متخصص، حتی چنانچه در مراکز کشورها وجود داشته باشند، تمایلی به خدمت در ارگانهای مدیریت منطقه‌ای در روستاها علیرغم حقوق و مزایای مکفی، ندارند.

ه- برنامه‌های توسعه و تحقیق:

تلاشهای تحقیقاتی و توسعه به سمت تکنولوژیهای تولید به کندی انجام گرفته و جای گیری و نفوذ تکنیک در سیستمهای تولید، بویژه در زمینه کشاورزی و آبیاری، تنها اخیراً در بسیاری از کشورهای تحت بررسی بوجود آمده و اشاعه آن برای کشاورزان و سایر گروههای ذینفع به کندی بوده است. برخی از کشورها بمنظور مقابله با این مشکل دست به گسترش شبکه‌های تحقیقاتی و تسهیلات توسعه و مراکز اشاعه تکنولوژی به مناطق روستائی کشورشان زده‌اند.

و- مشارکت مردم:

علیرغم وجود ماشین آلات در سراسر کشور، موفقیت کشورهای منطقه در گسترش مکانیزم‌های مؤثر مشارکت مردم پراکنده و ناپیگیر بوده است. موانع این امر تواماً برعهده مردم و سازمانهای توسعه است. از سوئی میزان اندک آگاهی از علل وضعیت خویش و برخی سنتهای برجای مانده از گذشته مانع از ابراز نیازهای واقعی و تقاضا از دولت جهت رفع این نیازها می گردد. از سوی دیگر طراحان و مدیران دولتی دارای کمبود اطلاعات نسبت به مسائل اجتماعی و روانشناسی لازم جهت به تحرک در آوردن مردم روستائی هستند.

بنظر می رسد راه حل درک مؤثر اوضاع محلی، عدم تمرکز عملیات توسعه و واگذاری آن به مسئولان محلی باشد. بسیاری از کشورهای منطقه در این زمینه تلاش می نمایند.

ج- آمریکای لاتین

۱- تجربیات

اگرچه کشورهای آمریکای لاتین دارای پیشینه فرهنگی و مشخصه‌های منطقه‌ای مشترک هستند، تجربیات تاریخی، جغرافیا، اقتصاد و سیاستهای آنان کاملاً متفاوت بوده و به سختی می توان مسائل را در بین آنان تعمیم داد. پیشینه کشورهای منطقه کارائیب بطور مشخص از بقیه آمریکای لاتین متفاوت بوده و برخی از این کشورها آنچنان دستخوش تغییرات سیاسی و اقتصادی بوده‌اند که از روند جاری سایر مناطق جدا شده‌اند.

طی نکات مشروحه زیر به مشخص نمودن مختصات و مسائلی که عمدتاً از اهمیت منطقه‌ای برخوردارند، پرداخته شده است. رشد جمعیت و شهرنشینی بسیار بالاست. طی سالهای اخیر رشد جمعیت منطقه سالانه ۲/۸ درصد بوده که طی آن رشد جمعیت شهری ۵ درصد و در روستاها ۱/۵ درصد بوده است. این بدان معناست که:

الف- بخش عظیمی از رشد طبیعی جمعیت در روستاها به شهرها سرازیر می‌شود.
ب- کشورهای که اخیراً بطور عمده روستانشین بوده‌اند، هم اکنون کاملاً شهرنشین شده‌اند.

تحت شرایط کنونی، آمریکای لاتین دارای بزرگترین شهرها در جهان است. جوامع دورافتاده روستائی از طریق مهاجرت، وسائل ارتباطی و جایگزین کردن عرضه کالاها در ازای تولید محلی آنها، با جامعه شهری مرتبط گردیده‌اند.

افزایش عمومی درآمد سرانه، شهرنشینی را بدنبال داشته است. از نقطه نظر آماری، آمریکای لاتین در مقایسه با اروپا و آفریقا یا آسیا در رده میانی درآمد قرار دارد، لکن مسئله توزیع اجتماعی ناهمگون بوده و قسمت اعظم روستانشینان کاملاً عقب مانده هستند. توسعه قابل ملاحظه‌ای در بخش صنعت و طبقه کارگر صنعتی صورت پذیرفته، لکن اشتغال در صنایع با رشد شهرنشینی هماهنگی نداشته و منجر به پدید آمدن بخشهای بی‌شمار غیررسمی شهری و نیز افزایش سریع خدمات و بویژه خدمات دولتی و بکارگماری روزافزون بخشهای میانی شهرنشین گردیده است. دوائر دولتی بصورت پیچیده و پرهزینه درآمده‌اند که بخشی از آن ناشی از پیچیدگی وظایف رودرروی دولتهاست و قسمتی نیز بواسطه فشارهای شدید در جهت ایجاد مشاغل است. اقتصاد این کشورها

*** تحت شرایط کنونی، آمریکای لاتین دارای بزرگترین شهرها در جهان است. جوامع دورافتاده روستائی از طریق مهاجرت، وسائل ارتباطی و جایگزین کردن عرضه کالاها در ازای تولید محلی آنها، با جامعه شهری مرتبط گردیده‌اند.**

افزایش عمومی درآمد سرانه، شهرنشینی را بدنبال داشته است از نقطه نظر آماری، آمریکای لاتین در مقایسه با اروپا و آفریقا یا آسیا در رده میانی درآمد قرار دارد، لکن مسئله توزیع اجتماعی ناهمگون بوده و قسمت اعظم روستانشینان کاملاً عقب مانده هستند.

شدیداً در ارتباط با روند سرمایه‌داری جهانی است و بر بازارهای صادرات و اعتبارات متکی است. از اینرو شدیداً در معرض انحطاط قرار داشته و قریب به کلیه کشورها در حال حاضر گرفتار بحرانهای شدید اقتصادی هستند.

نظامهای کشاورزی و شیوه زندگی روستائی اینکشورها کاملاً متفاوت بوده و اخیراً شاهد تغییرات تخریبی نیز بوده‌اند. یکی از گرایشهای کلی، گسترش کشاورزی تجاری در سطح وسیع است که قسمتی از آن توسط سرمایه ملی و بخش دیگر توسط شرکت‌های چندملیتی کنترل میگردد. این گسترش از طریق نظام سنتی مالکیت اربابی بر زمین که تا چند سال پیش حاکم بوده و نیز کشاورزی مبتنی بر زارعین کوچک به‌مراه آثار ناشی از تحولات عمده کشاورزی که در برخی از کشورها بوقوع پیوسته، بدست آمده است. فعالیت کشاورزی مدرن در بخش کشت متکی

بر نیروی کار کشتکاران با معاش اندک متکی است. در کنار این تمایل، گسترش دامسنة کشاورزی به سرزمینهای بکر و عمدتاً مناطق جنگلی استوائی بوقوع پیوست که از لحاظ اکولوژیکی تخریبی و از لحاظ اجتماعی تضاد برانگیز بوده است. کنترل زمین در دست سرمایه‌داری کشاورزی تجاری و زارعین مهاجر قرار داشته که تسلط اولی غالب بوده است. از اینرو ابتکارهای سیاسی دولت در زمینه توسعه روستائی در تضاد با شرایط محلی متعدد، سزعت متغیر و عموماً متضاد، قرار می‌گیرد. کشاورزی سرمایه‌داری به سوی مدرنیزاسیون تکنولوژیکی هر چه وسیعتر و انحصاری نمودن منابع، و در مقابل کشاورزی روستائی به سوی وخیم‌تر شدن فقر و اتکاء به منابع درآمد خارج از روستا پیش می‌رود. اولی به افزایش تولید چشمگیری دست یافته که قسمت اعظم آن از محصولات صادراتی بدست می‌آید. بیشترین بخش تولید مواد غذایی جهت مصرف داخلی از طریق کشاورزی روستائی تأمین می‌گردد. در هر حال افزایش در این زمینه جهت رفع نیازهای روزافزون شهرنشینان ناکافی بوده و بسیاری از کشورها بیش از پیش به سمت وابستگی به مواد غذایی وارداتی سوق داده میشوند.

اغلب کشورها اکنون متقاعد شده‌اند که اقداماتی هم سو با توسعه یکپارچه روستائی باید انجام گیرد. انگیزه‌ها و اهداف در این زمینه شامل مبارزه با فقر فوق‌العاده عمیق روستائی، پاسخگویی به فشارهای گسترده و سازمان یافته از سوی روستائیان و کاهش ارزش خارجی مصرفی جهت واردات مواد غذایی است. برنامه‌ها متعدد بوده و مجموعه‌ای با ارزش از تجربیات برای آینده را فراهم می‌آورند. به‌صورت ایـــــــن برنامه‌ها در سطح محلی باقی مانده و با عدم ثبات سیاسی و مشکلات و موانع دیگر مختل می‌گردند. بسیاری از این برنامه‌ها متکی بر





سرمایه‌گذاری و تکنسینهای خارجی هستند. این وابستگی باعث عدم ثبات، جدائی از طرحهای ملی و اولویتها، و برخی اوقات هزینه‌های گزاف تجهیزات و کارمندان وارداتی است. بیشترین فشار بر منافع عمومی از جانب کشاورزی تجاری ادامه می‌یابد که بیش از همه مورد توجه گروههای درآمد شهری است و بیشترین سود را از پروژه‌های آبیاری، جاده‌سازی، اعتبارات، سوبسید واردات ماشین‌آلات و نظائر آنها را به خود اختصاص میدهد. علیرغم اظهارات سیاسی، سهم هزینه همگانی تخصیص یافته جهت توسعه یکپارچه روستائی بسیار اندک است. حتی کشورهایی که تمایل به انجام چنین کاری را دارند، تغییر توزیع منابع همگانی بطور قابل ملاحظه، دشوار است. هم‌اکنون که حکومتها دارای مشکلات مالی جدی بوده و تحت فشار از سوی سازمانهای بین‌المللی وام قرار دارند، اوضاع وخیم‌تر نیز شده است. در بسیاری از موارد آنها حتی قادر به حمایت از برنامه‌های محدود آغاز شده نیز نمی‌باشند.

روستائیان بسادگی تسلیم وضعیت نامطلوب نگردیده‌اند. سازمانهای روستائی و کارگران روستائی فراوانند، اگرچه دستخوش تحولات بسیاری بوده‌اند. عوامل چندی همکاری میان آنها و برنامه‌های دولتی توسعه یکپارچه روستائی را مانع می‌گردند. نخست، اکثر روستائیان نسبت به برنامه‌های دولت بی‌اعتمادند، زیرا اینگونه برنامه‌ها با علاقه و تبلیغات وسیع و حرکت در جهت بسیج همگانی آغاز میشوند، لکن متعاقباً متوقف شده یا تغییر مسیر می‌دهند، و درصدد انتقام‌جویی از رهبران محلی مدافع این برنامه‌ها برمی‌آیند. درثانی نیاز روستائیان به دستیابی بر زمین و سهم برابر از سرمایه‌گذاری همگانی، اعتبارات و خدمات بصورت بالقوه در تضاد با روابط مالکیت فعلی و چهارچوبهای قدرت قرار دارند. رضایت آنان از طریق سیاستهایی که روستائیان فقیر را به حال خود وامی‌گذارد درحالیکه دولت به بخشهای مرفه‌تر و با نفوذ جامعه خدمات و منابع را اختصاص می‌دهد، بدست نمی‌آید. سوم، برخی از جنبشهای خارجی مذهبی و سیاسی بدنبال بسیج توده‌های روستائی و برانگیختن آنان بر علیه حکومت مرکزی بوده‌اند. اینگونه جنبشهای خارجی اقدام به عملیات خودمختاری محلی و یا ایجاد تحول انقلابی در چهارچوب بندی قدرت نموده‌اند.

نفوذ اینگونه جنبشها وسیعاً متنوع است. اکثر آنها دچار مشکلات فرهنگی در ارتباط با روستائیان مشابه مشکلات تکنسینهای دولتی و بسیجگران هستند. در عین حال آنها در آگاه کردن روستائیان نسبت به ضعف و تناقضهای موجود در برنامه‌های دولتی توسعه روستائی بر نفوذ بوده‌اند.

۲- مسائل

موانع عمده در مقابل توسعه یکپارچه روستائی در آمریکای لاتین را می‌توان بشرح زیر خلاصه نمود:

الف- عدم وجود برداشتی متشکل و روشن از توسعه یکپارچه روستائی و چگونگی فلسفه آن و طرق کاربرد آن، که نه‌تنها اهمیت تئوریک دارد بلکه به معنای عدم وجود یک چهارچوب مشترک نیز هست که از طریق آن می‌توان به آگاهی از مسائل منطقه‌ای و یا اجرای پروژه‌های توسعه یکپارچه روستائی دست یافت.

ب- عدم وجود روشهای سراسری ملی و در ازای آن کاربرد مجرد پروژه‌های منفرد در نواحی مختلف کشور.

ج- تغییرات مکرر حکومت و وزارتخانه‌ها که تغییرات عمیق در سیاست و پرسنل را بدنبال دارد.

د- مجزائیدن سازمانهای ملی و بین‌المللی مسئول کاربرد پروژه‌های توسعه روستائی و کمبود روشها و پرسنل. هـ- کمبود نیروی انسانی متخصص در اجرای پروژه‌های توسعه روستائی و عدم دسترسی به مناطق روستائی بعلمت کمبود جاده و وسائل ارتباطی.

و- منابع مالی و اقتصادی اندک در تخصیص به پروژه‌های توسعه روستائی که منجر به عدم توانائی ایجاد امکانات تشکیلاتی جهت افراد محلی مأمور خدمت در پروژه‌ها می‌شود.

ز- ارائه ناکافی ماشین‌آلات و تجهیزات جهت کمک به برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه روستائی.

ح- وجود تفاوت‌های فرهنگی میان روستائیان و نیز میان روستائیان و شهرنشینان، که به معنای نیاز تکنسینها به آمادگی ویژه در درک شیوه اندیشه روستائی و ارائه عکس‌العمل مناسب در برابر مشکلات آنهاست.

ط- سازمانهای محلی روستائیان، مستقل از حکومت، که برنامه‌های دولتی را نپذیرفته و اغلب تحت نفوذ جنبشهای سیاسی مخالف دولت هستند. حضور سازمانهای مستقل روستائی باید بصورت عاملی مثبت عمل نمایند تا مانع، لکن تنها در صورتی می‌توانند بعنوان عامل مثبت تلقی شوند که حکومت دست به اقدامی قاطع از طریق اختصاص منابع

به توسعه روستائی بزند و آمادگی پذیرش روستائیان را بعنوان مشارکت کنندگان سیاسی در سرکوب نیروی سایر گروههای فشار داشته باشد.

ی- تسلط آندسته از چهارچوبهای قدرت و منابع اقتصادی که از مشارکت خودمختار روستائیان در توسعه بی‌مناک است، حتی چنانچه سیاستهای حکومت نیز اینگونه مشارکت را الزامی بدانند.

تصور اینکه بهر‌مورد توسعه روستائی در آمریکای لاتین را روستائیان سنتی و ایستا تشکیل می‌دهد، غیرواقعی خواهد بود. علیرغم دورافتادگی و ارتباط ضعیف فوق‌الذکر، اکثر روستائیان خود را هموطنان برخوردار از حقوق اساسی پنداشته و آمادگی تقبل سهم مؤثر در تغییر وضعیت خویش را دارند. بسیاری از آنان کاملاً پرتحرک بوده و مسافتهای طولانی را در جستجوی کار طی نموده و توانائی تشکیل سازمان‌های متعلق به خود را در صورت مساعدبودن شرایط ملی دارا هستند. از اینرو زمانیکه ما به توسعه یکپارچه روستائی برای آمریکای لاتین فکر می‌کنیم، باید آن طرحی از توسعه را در نظر تجسم کنیم که از لحاظ تئوری و عمل آمادگی مطابقت با الگوی عناصر متضاد و متخاصم فوق‌الذکر را داشته باشد. فهرست موانع موجود بطور ضمنی بر موارد مورد نیاز دستیابی به توسعه یکپارچه روستائی سازنده اشاره کرده و می‌تواند به جای توصیه‌هایی برای آمریکای لاتین بکار رود.

